



شیز: تحلیلی تاریخی و کالبدی؛ و بررسی انطباق مکانی آن با تخت سلیمان*

** ابوذر جعفری

تاریخ دریافت مقاله: ۸۴/۱۰/۲۸

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۴/۱۲/۶

چکیده:

شیز به عنوان یک شهر مهم مذهبی در دوران قبل از اسلام مطرح است. تخت سلیمان نیز محل آثار باقیمانده ای از همان دوران می باشد که امروزه در جنوب استان آذربایجان غربی واقع است. این مطالعه در دو بخش صورت می گیرد؛ یکی بحث تطبیق مکانی شیز با محل کنونی تخت سلیمان و دیگری تحلیلی تاریخی و کالبدی از شیز می باشد. در بحث تطبیق مکانی از آتشکده ای به نام آذرگشنسب به عنوان واسطه استفاده شده است. با استفاده از منابع و اسناد تاریخی در دو قسمت جداگانه، یعنی یک بار تطبیق مکانی آتشکده آذرگشنسب با تخت سلیمان کنونی و یک بار تطبیق مکانی آتشکده با شهر شیز انجام گرفت. تحلیل تاریخی شیز در دوره های هخامنشی، پارتی، ساسانی و اسلامی انجام گرفت. نظر به اینکه تنها آثار دوره های ساسانی و ایلخانی در تخت سلیمان بر جای مانده است، برای این دو دوره تحلیل کالبدی نیز صورت گرفت. بعد از بررسی های انجام گرفته نتیجه گرفته شد که محل کنونی تخت سلیمان منطبق بر شهر شیز است.

واژه های کلیدی:

شیز، تخت سلیمان، آتشکده آذرگشنسب، دوره ساسانی، دوره ایلخانی.

* این مقاله حاصل پژوهشی است که با راهنمایی های جناب آقای دکتر سید محسن حبیبی انجام گرفته است؛ همچنین جناب آقای دکتر منوچهر طیبیان زحمت بازخوانی آن را بر عهده داشته اند که در اینجا از هردو بزرگوار تشکر و قدردانی می گردد.

** دانشجوی کارشناسی ارشد شهرسازی-برنامه ریزی شهری و منطقه ای دانشگاه تهران.



مقدمه

کنونی، سعی در اثبات انطباق دو محل بر هم خواهیم بود. در مورد وجود آتشکده در تخت سلیمان از توصیف های منابع تاریخی در مورد معماری و خصوصیات طبیعی، کالبدی و محیطی محل آتشکده و مقایسه آن با وضعیت کنونی محل تخت سلیمان استفاده خواهیم کرد.

به این جهت، در این مقاله ابتدا توصیفی مختصر از آتشکده آذرگشنسب را ارائه خواهیم داد و در ادامه توصیفی اجمالی از تخت سلیمان امروزی و خصوصیات کالبدی آن خواهیم آورد؛ و آنگاه وارد بحث اصلی یعنی مساله تطبیق خواهیم شد. بعد از اثبات منطبق بودن شیز و تخت سلیمان، ابتدا توصیفی تاریخی از دوره های مختلف شیز بیان خواهیم کرد؛ و سپس با استفاده از خصوصیات کنونی محل تخت سلیمان سعی خواهیم کرد وارد کالبد شهر شیز شده و تحلیلی از دو دوره مهم (دوره ساسانی و دوره ایلخانی) که آثار و بناهایی از آنها بر جای مانده، ارائه کنیم. در واقع روش تحقیق این مقاله به صورت مطالعات اسنادی است. منابع مورد استفاده در سه دسته عمده قرار می گیرند: نخست، متون تاریخی چون کارنامه اردشیر پاپکان، نامه تنسر به گشنسب و ... دوم، کتب مورخین

سرشناسی چون گیرشمن، هوار، پیگولوسکایا و ... و دسته سوم گزارش های حفاری و باستانشناسی تخت سلیمان.^۷

ولی با قدرت یافتن پادشاهان، « آتشکده آذرگشنسب» اهمیت بیشتری کسب کرد. این آتش به جنگیان و شاهان اختصاص داشت. آتش سوم در کوه های راوند خراسان متعلق به کشاورزان و دهقانان بوده است. اصولاً آتش دیگر آتشکده ها نیز از آتش این سه آتشکده تامین می شده است. در دوره ساسانیان، هر خانه ای آتشخانه ای داشت. هر طایفه و روستایی دارای پرستشگاهی جداگانه بودند که آن را آذران می خواندند. سومین دسته آتش ها آتش بهرام بود. این آتش مخصوص یک استان (ساتراپ) بود (هوار، ۱۳۶۳، ۹۸). اما آتش های آذرفرنبغ، آذر برزین مهر و آذرگشنسب مقامی فراتر از همه آتش های مذکور داشتند؛ و نتیجه اینکه هیچ شکی در موجودیت آتشکده آذرگشنسب به عنوان یکی از سه آتشکده اصلی دوره ساسانیان وجود ندارد و اکثریت قاطع مورخین و محققین بر این نکته اتفاق نظر دارند.

تخت سلیمان نامی است که بر ویرانه های بر جای مانده در ۴۲ کیلومتری شمال شرقی شهر تکاب و جنوب استان آذربایجان غربی اطلاق می شود. غربی ها اولین بار توسط سر روبرت کریپورت^۱ در اوت ۱۸۱۹ میلادی با تخت سلیمان آشنا شدند؛ بعدها توسط سر هنری راولینسون^۲ مورد بازدید قرار گرفت؛ او در سال ۱۸۳۸ میلادی توصیفی جامع از تخت سلیمان ارائه کرد.^۳ (ناومان، ۱۳۸۲، ۱۲۵) اریک ف. اشمیدت^۴ اولین عکس های هوایی را در جولای ۱۹۳۷ از تخت سلیمان و کوه زندان (۱/۵ کیلومتری تخت) تهیه کرد (اشمیدت، ۱۳۷۶، ۱۸۳، ۱۸۴).

اولین حفاری ها در سال ۱۹۵۸ با سرپرستی هانس هینینگ فون دراوستن^۵ شروع گردید.^۶ این حفاری ها چهره ناشناخته ویرانه ها را آشکار ساخت. آنچه ویرانه های تخت سلیمان را اهمیت و اعتبار بخشیده، تطبیق آن با آتشکده آذرگشنسب یکی از سه آتشکده اصلی دوره ساسانی و شهر شیز باستانی است. شیز در نوشته های مورخینی چون گیرشمن، پیگولوسکایا، مینورسکی، کریستین سن و ... و همچنین مورخین اسلامی چون ابن الفقیه، ابودلف و ... به عنوان یکی از شهرهای مهم ایران (و حتی گاهی به عنوان پایتخت) مطرح بوده است. برای اثبات منطبق بودن شهر شیز و تخت سلیمان کنونی از آتشکده آذرگشنسب به عنوان واسط استفاده خواهیم کرد و در واقع با اثبات وجود این آتشکده در شهر شیز و همچنین در تخت سلیمان

آتشکده آذرگشنسب:

آنچه از متون قدیمی بر می آید این است که آذرگشنسب (یا آذرگشنسب) یکی از مهم ترین آتشکده های دوران ساسانی بوده است. چنانکه در « کارنامه اردشیر پاپکان» می خوانیم: «... آذر فرنبغ، آذرگشنسب و آذر برزین مهر به خانه ی سامان می درخشد و روشنایی در همه جهان می پراگندند. آذر فرنبغ دین دانی مهان است و موبدان، آذرگشنسب، سپاه و سپهبدان و آذر برزین مهر کشتاوران و برزیگران جهان...» (هاشمی نژاد، ۱۳۶۹، ۳۲).

همچنین در « نامه تنسر به گشنسب» نیز از این آتشکده به عنوان یکی از سه آتشکده بزرگ ایران زمین یاد می شود. « مینوی» در یادداشت خود بر این کتاب درباره این آتشکده می نویسد: « این آتش اختصاص به طبقه سپاهیان داشته ...» (مینوی، ۱۳۵۴، ۱۲۲).

پس سه آتشکده اصلی ایران متعلق به سه طبقه اجتماعی بوده است. « آذر فرنبغ» در کاربان فارس به طبقه روحانیان و موبدان ساسانی اختصاص داشته است. این آتشکده از اهمیت خاصی برخوردار بوده،



تخت سلیمان^۸:

نویسد: «... و شیز که در آن آتشکده آذرگشنسب بود و آن نزد مجوس بس ارجمند بود...» (ابن فقیه، ترجمه مسعود، ۱۳۴۹، ۱۲۸).

«ابودلف» نیز در سفرنامه خود این تطبیق را تأیید می کند. «مینوی» نیز با استفاده از متون قدیمی نظیر «نامه تنسر به گشنسب» و کتاب «دینکرد» به اثبات این نظریه می پردازد. محققین دیگری نیز در کتاب های خود، این موضوع را تأیید می کنند.^{۱۱}

ب- آتشکده آذرگشنسب در تخت سلیمان قرار داشته است.

«آرتور کریستین سن» در کتاب «ایران در زمان ساسانیان» نظریه فوق را تأیید می کند. او می نویسد: «این آتشکده در جای برپا بود که اکنون به خرابه های تخت سلیمان معروف است.» (کریستین سن، ۱۳۵۱، ۱۸۹). «علی اکبر سرافراز» و «بهمن فیروزمندی» نیز از جمله کسانی هستند که با استفاده از منابع قدیمی و نظرات مستشرقین بر وجود آتشکده آذرگشنسب در تخت سلیمان تأکید دارند. آنها می نویسند: «در بین سه آتشکده اصلی ساسانیان، آتشکده آذرگشنسب که در محل تخت سلیمان آذربایجان قرار دارد از همه مهم تر و متعلق به شاهان و لشکریان ساسانی بوده...» (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳، ۴۲-۳۸).

دیتیریش هوف^{۱۲} و «رودلف ناومان» نیز تمام نتایج حفاری های خود را در تخت سلیمان بر پایه همین نظریه ارائه می دهند.

البته ناومان استقرار آتشکده آذرگشنسب، از ابتدا در تخت سلیمان را تأیید نمی کند. به اعتقاد وی آتشکده آذرگشنسب در اصل محلش در گنzk (لیلان کنونی در کنار شهر میاندوآب) بوده و به شیز معروفیت داشته است و با همین نام بوسیله خسرو اول به محل تخت سلیمان کنونی آورده شده است. البته مینورسکی^{۱۳} همین مساله را به نوعی دیگر بیان می کند. به اعتقاد او آتشکده آذرگشنسب توسط انوشیروان به محل کنونی آورده شده است و این مکان جدید در گفتگوهای عمومی نام اصلی «شیز» به خود گرفته است. او در این مورد به «مروج الذهب مسعودی» استناد می کند و محل قبلی را نیز لیلان می داند (مینورسکی، ۱۳۵۴، ۹۹).

به هر حال نتیجه ای که از دو نظریه فوق حاصل می شود قرار گرفتن شهر شیز در محل کنونی تخت سلیمان است. با رجوع به توصیف شهر شیز توسط «ابودلف مسعر بن المهمل» که حدود قرن ۱۰ میلادی از آن دیدن می کند هیچ شکی نمی ماند که تخت سلیمان همان شیز است.^{۱۴}

به این ترتیب نگارنده نظریه «شیز در تخت سلیمان کنونی» را پذیرفته و در ادامه مقاله بر همین اساس به توصیف شهر شیز خواهد پرداخت.^{۱۵}

همانگونه که اشاره شد تخت سلیمان نامی است که بر ویرانه های موجود در منطقه تکاب افشار در جنوب استان آذربایجان غربی اطلاق می شود.

تخت سلیمان «شهر-قلعه»^۹ ای است به وسعت ۱۲ هکتار که از زمین های اطراف حدود بیست متر بلند تر است. تخت سلیمان دارای بارویی به طول ۱۱۲۰ متر و ۳۴ برج است که با احتساب برج های دروازه های آن به ۳۸ عدد می رسد. شکل حصار آن بصورت بیضی است که قطرهای آن، اندازه های ۳۸۰ متر و ۳۰۰ متر دارند.

دریاچه محصور در آن شکل بیضی دارد که در قسمت جنوبی محوطه است. عمق متوسط دریاچه ۶۴ متر است که آب آن از چشمه های زیرزمینی تامین می شود. تخت سلیمان دارای دو دروازه در شمال و جنوب شرقی است که هر دو متعلق به دوره استقرار ساسانی است، ولی در دوره ایلخانیان دروازه جنوب شرقی مسدود و دروازه ای در جنوب ساخته شده است.

آنچه نتایج باستان شناسان نمایان ساخته است، وجود دو دوره استقرار مهم در محل است. یکی مربوط به دوره ساسانیان است که آثار آن در شمال دریاچه از زیر خاک در آمده است و دیگری متعلق به دوره ایلخان مغول- آباقخان- که در اطراف دریاچه و جنوب آن است. در دوره ایلخانان، محل ستوریق نامیده می شده است. البته دوران های دیگری از استقرار نیز وجود دارد که در قسمت بعد به آنها خواهیم پرداخت.^{۱۰}

تطبیق تخت سلیمان و آتشکده آذرگشنسب با

شهر شیز:

شیز شهری است که نام آن در بسیاری از متون قدیمی و تاریخی ذکر شده است. آنچه در اینجا مطرح می شود موضوع تطبیق آتشکده آذرگشنسب با تخت سلیمان و این دو با شهر شیز است. نظریه های مختلف در این زمینه را در دو گروه زیر طبقه بندی می کنیم:

الف- آتشکده آذرگشنسب در شهر شیز قرار داشته است.

«آرتور کریستین سن»، «پیگولوسکایا» و «رودلف ناومان» از جمله کسانی هستند که طرفدار این نظریه هستند. کریستین سن می نویسد: «آذرگشنسب یا آتش سلطنتی، در شیز واقع در آذربایجان بوده است.» (کریستین سن، ۱۳۵۱، ۱۸۹) پیگولوسکایا نیز می نویسد: «آتش جنگجویان (آذرگشنسب) در گنzk واقع در شیز از نواحی آذربایجان قرار دارد» (پیگولوسکایا، ۱۳۷۷، ۳۸۴) «ابن فقیه» در کتاب «مختصر البلدان» خود بر این مساله تأکید می کند؛ او می



تحلیلی تاریخی از شهر شیز:

همانگونه که ذکر شد شیز دوران های مختلف استقرار داشته است که در اینجا به تفصیل هر دوره را مورد بررسی می دهیم:

تقویم تاریخی شهر شیز: (تاریخ به میلادی)

اواسط قرن پنجم	ساخت اولین استحکامات و بناهای خشتی آتشکده در شیز
۵۲۵	سرکوب قیام مزدکیان و شروع نوسازی شیز و اهمیت یافتن دوباره آن
۶۲۷	تخریب شیز توسط هراکلیوس امپراتوری بیزانس
۶۳۴-۶۴۴	پیمان مرزبان اردبیل با اعراب جهت آزاد بودن مردم شیز در اجرای مراسم هایشان
۹۴۳	عزیمت پارسها از منطقه و از رونق افتادن شیز
قرن ۱۰ تا ۱۳	اسکان متناوب در شیز در دوره خلفای عباسی
قرن ۱۳	بنای کاخ شکار و اقامت آباخان ایلخان مغول (شیز در این دوره ستوربیک نامیده می شود).
قرن ۱۴ تا ۱۸	دوره مجهول در تاریخ شیز
قرن ۱۸	بنا نهاده شدن دهکده تازه کند در نزدیکی شیز
اوت ۱۸۱۹	کشف شیز توسط "سر روبرت کرپورتر"
جولای ۱۹۵۹	شروع حفاریهای محل شیز

شیز هخامنشی:

دوره بسار مجهولی از شیز برای ماست. تنها گمانه زنی محدودی انجام شده است و یک محوطه مسکونی هخامنشی (شاید دهکده مسکونی) تشخیص داده شده است. البته از آنجایی که لایه هخامنشی در زیر لایه ساسانی قرار دارد، حفاری کامل آن امکان پذیر نیست؛ گمانه حفر شده نیز مجدداً پر شده است. به همین دلیل دوران تسلط یونانیان بر ایرانیان نیز در این منطقه کاملاً مبهم است. اما به هر حال دوره ای بوده که سکونت در این محل وجود داشته است. معلوم نیست شیز هخامنشی نیز آیا نقش مذهبی داشته یا نه؟؛ زیرا تشخیص استحکامات یا بنایی مربوط به آیین مذهبی میسر نیست (ناومان، ۱۳۸۲، ۳۹-۳۵).

شیز پارسی:

به اعتقاد «ناومان» که بر اساس یافته های باستان شناسی خود عنوان می کند، در هیچ کجای تخت سلیمان لایه مسکونی پارسی آشکار تشخیص داده نشده است. نظر او در مورد قطعات پراکنده سفالی اشکانی که در محل به دست آمده، این است که این قطعات با مصالح ساختمانی دوره معماری خشتی از جای دیگر به اینجا آمده است.^{۱۶} ناومان نتیجه گیری می کند که یک محوطه مسکونی پارسی در اراضی هموار دره در حوالی تخت وجود داشته است، همانگونه که

امروز روستای تازه کند-نزدیک ترین دهکده مسکونی- بیرون از تخت قرار دارد(همان، ۷۵).

اما آنچه از استحکامات شهر شیز نمایان است (استحکام بیضی شکل)، احتمال دوره استقرار اشکانی در تخت سلیمان را مطرح می کند. هرچند «دیتیش هوف» استناد به این دلیل را جهت پارسی بودن شیز نمی پذیرد. او حصار مدور تخت سلیمان را یک حالت استثنایی، که به علت توپوگرافی خاص تپه ای که شیز بر فراز آن بنا شده، می داند(هوف، ۱۳۶۵، ۱۵۲).

گاهی آثار باقیمانده تخت سلیمان با شهر پارسی (پراسپا) که توسط آنتونیوس سردار رومی در سال ۳۶ قبل از میلاد در لشکر کشی علیه پارت ها محاصره کرد، مقایسه می کنند.^{۱۷} (ناومان، همان، ۲۲ و ۱۲۶) «حسین سلطانزاده» نیز این نظریه را تقویت می کند و می نویسد: «آتشکده آذرگشنسب در شهر شیز- یکی از پایتخت های ایران در عهد اشکانیان- بوده است(سلطانزاده، ۱۳۶۵، ۵۵-۴۸).

از دوران اشکانیان به بعد مظهر آب (آناهیتا) در کنار آتش مقدس قرار می گیرد و در کنار آتشکده ها چشمه دیده می شود(حبیبی، ۱۳۸۲). شیز پارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و دریاچه عمیق با چشمه های همیشه در جوشش درون آن در کنار بنای آتشکده گواهی بر جاری شدن این قاعده در شیز است. شاید بتوان گفت تمام آثار دوره اشکانی بر روی تخت سلیمان توسط ساسانیان کاملاً از بین رفته است و نمی توان نظری در باره ساختار شهری، نقش شهری و ... شیز پارسی عنوان کرد؛ و این سوال همچنان بی جواب می ماند که آیا شیز پارسی نیز یک شهر مذهبی بوده است؟

شیز ساسانی:

شیزی است که قدرتمندترین و پر آوازه ترین شیز است. شیز ساسانی آنچنان پراهمیت است که بسیاری شیز را فقط ساسانی می دانند.

در دوره ساسانیان بر خلاف دوره های قبلی، تعصبات مذهبی توسط موبدان دستگاه های حاکم به بالاترین حد خود رسید. تعداد بسیاری آتشکده ساخته شد، به طوریکه حتی روستاها صاحب آتشکده شدند(سلطانزاده، همان، ۴۸).

آتش واقع در شیز یکی از سه آتش مقدس متعلق به سه طبقه والای جامعه بود. نظام کاستی دوران ساسانی برای طبقات برتر



شمار می رفت. نمادی که بواسطه اتحاد دین و سیاست شکل گرفته بود. شیز ساسانی توسط هراکلیوس امپراطوری بیزانس ویران گشت.

شیز اسلامی: ۱۸

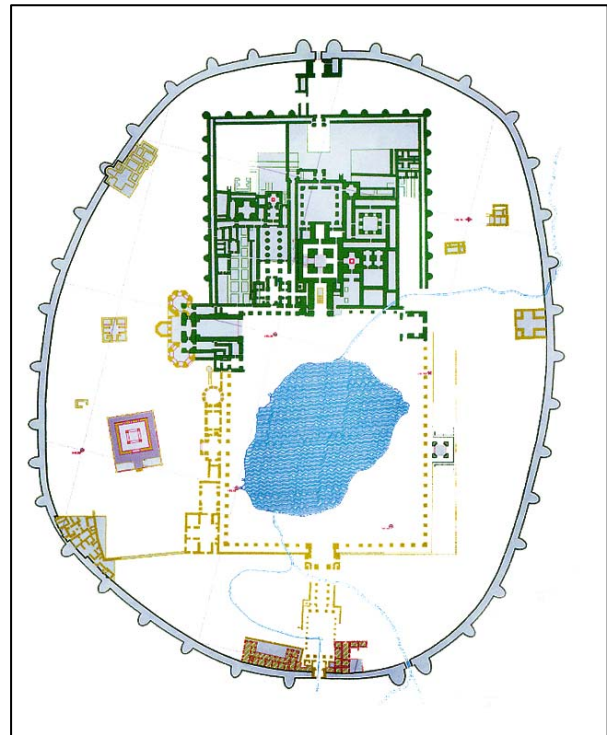
به نظر می رسد بعد از ویرانی شیز در سال ۶۲۴ میلادی توسط هراکلیوس، فقط معماری و تزیینات داخلی بناها از بین رفت و بناها مدتی بعد تعمیر شدند (ناومان، همان، ۲۳).

«مینورسکی» به نقل از «بلاذری» می نویسد: «در زمان عمر بن خطاب مرزبان اردبیل با عرب ها پیمانی بست که به موجب آن مردم شیز نبایستی از رقص روی آتش که در ایام عید مرسوم بوده و همچنین از حفظ عادات و رسوم معمولی خود منع شوند.» (مینورسکی، همان، ۹۸).

با توجه به این گفته و همچنین با استناد به نوشته های ابودلف (که در قرن ۱۰ میلادی از شیز بازدید کرده است) می توان چنین نتیجه گرفت که شیز تا حدود قرن دهم میلادی (حدود قرن سوم هجری قمری) دارای معبد و آتشگاه خود بوده است و انجام آیین دینی در آن جریان داشته است. از حدود قرن ۱۰ میلادی اسکان اقوام اسلامی در آن شروع می شود. در این دوره ما با اسکان های موقت و پراکنده ای مواجه هستیم (ناومان، همان، ۸۰-۷۹).

دوره اوج شیز اسلامی قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری قمری) است که به دستور آباقاخان-ایلخان مغول- بنای کاخ شکار در کنار خرابه های معبد قدیمی آغاز می شود. شیز اسلامی در این دوره به «ستوریق» تغییر نام می دهد که به نظر می رسد به علت واقع شدن در دره رودخانه «ساروق» نام خود را از آن گرفته است.^{۱۹} شیز اسلامی یا ستوریق ایلخانی مبین تغییر نقش یک شهر است. اگر چه قبل از ستوریق ایلخانی شیز ویرانه شده بود و اهمیت مذهبی سابق را نداشت؛ اما به هر حال معروفیت شیز مخروبه به مذهبی بودن آن بود (ناومان، همان، ۲۳).

به این ترتیب می توان گفت که «شهر-معبد» شیز اسلامی از قرن هفتم میلادی (اول هجری قمری) شروع به از دست دادن اهمیت خود کرد؛ به طوریکه در قرن دهم میلادی (قرن سوم هجری) شهر-معبد تبدیل به یک شهر معمولی شد. تا اینکه در نهایت در قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) حتی نام خود را نیز از دست داد و با تغییر نقش خود بصورت یک اقامتگاه تفریحی و تابستانی برای آباقاخان-ایلخان مغول- در آمد. ایلخانان بناهای خود را محیط بر دریاچه کردند و آن را در ارتباط با بناهای موجود آتشکده قدیمی ساختند. آنها با ساختن مسجد، عنصر مذهبی خود را وارد این شهر کردند.



تصویر ۱- پلان کلی تخت سلیمان (مأخذ: آرشیو دفتر فنی تخت سلیمان)

اجتماعی آتش های مخصوص تدارک دیده بود. بالاترین نقطه در هرم قدرت (موبدان و روحانیان) آتش آذر فریغ را در تسلط خویش داشتند و طبقه بعد از آنها جنگاوران و سپاهیان آتش آذرگشنسب را به خود اختصاص داده بودند. در آغاز روحانیان نیروی عمده و حاکم به شمار می آمدند ولی به تدریج عرصه از سوی بزرگان و جنگیان بر آنها تنگ شد و آتش آذرگشنسب مهم ترین آتش سرزمین ساسانی شد. پس از سرکوب جنبش مزدکیان وضع شیز به عنوان مرکز دینی قوام و استحکام یافت (پیگولوسکایا، ۱۳۶۳، ۱۷۰، ۸۴-۸۳).

اردشیر بابکان پس از ارائه «کارنامک» خود که در واقع اولین سند عقیدتی-سیاسی حکومت و دولت در دوره های پیش از اسلام است، دین کهن مزدایی را آیین رسمی قرار داد (حبیبی، ۱۳۸۰، ۲۸). اردشیر دوم با وارد کردن پرستش ناهید (آناهیتا) آن را متحول ساخت. مرکز اصلی این آئین در شمال غربی کشور در شیز- جایی که معبد آناهیتا و آتشگاه در آن مرتبط بودند- قرار گرفت (گیرشمن، ۱۳۵۵، ۱۲۵).

شهر شیز به عنوان یک «شهر-معبد» نماد اتحاد و یگانگی دین و دولت بود. ساسانیان بر خلاف اشکانیان که ملوک الطوائف هر یک برای خود آتشگاهی مخصوص داشت، به اتحاد دینی می اندیشیدند و این اتحاد دینی در راستای حکومت و سلطنت دینی آنها بود. به جرات می توان گفت شهر شیز نماد سیاسی-مذهبی ساسانیان به



www.fekrebozorg.ir

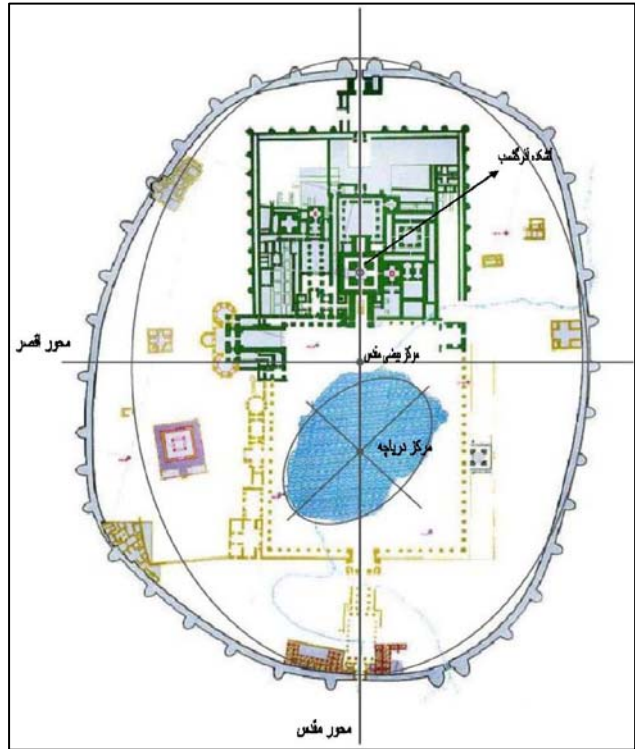
عنوان تمام شهر شیز صحیح نیست. آثار باقیمانده امروزی شامل یک حصار با بنای یک آتشکده در سمت شمالی و یک دریاچه در قسمت جنوبی است. (تصویر ۱)

«دیتیریش هوف» این محوطه را شهر نمی شمارد و آن را یک زیارتگاه ساسانی با یک کاخ کوچک که قابل مقایسه با یک امامزاده است، می نامد. (هوف، همان) اگر این را بپذیریم که گاهی بناهای مهم مذهبی در کنار یا خارج یک شهر قرار می گیرند مساله کمی روشن تر خواهد شد. در آن صورت می توان تصور کرد تخت سلیمان کنونی تنها بخشی از کالبد شهر شیز است. نقشی که برای تخت سلیمان کنونی در شهر شیز می توان در نظر گرفت، نقش یک دژ حکومتی، همراه با شارستان (شار میانی) است؛^{۲۰} که فعالیت های مذهبی در آن وجه غالب است. این دژ حکومتی و مذهبی در استراتژیک ترین نقطه این دره قرار گرفته است؛ همانگونه که اکثر دژها در چنین موقعیتی قرار می گیرند. این دژ حکومتی و مذهبی (یا به عبارتی دیگر قلعه حکومتی و مذهبی) خود مانند یک شهر کوچک در دل شهر شیز قرار داشته است. در این دژ آتشکده آذرگشنسب قرار دارد که در ارتباط تنگاتنگ با معبد آناهیتا است. دو ایوان غربی (معروف به ایوان خسرو) و شمالی (محل تاجگذاری) نیز در یک طرف آتشکده قرار دارند. بناهای درون این قلعه، نقشه کاملاً منظم قائم الزاویه دارند که مشخص می کند که بنا بر طبق نقشه از پیش تعیین شده ساخته است. دو دروازه شمالی و جنوب شرقی نیز در بدنه باروها قرار دارند. دروازه شمالی کاملاً در محور تقارن بنای اصلی قرار دارد.

پارسیان شهرهای خود را به شکل مربع و بر مبنای آتش (به عنوان حافظ حقیقی مکان) بنا می کردند (حبیبی، همان، ۱۱). پارتیان مربع مقدس را به دایره مقدس تبدیل کردند و شاید در این مقاله بتوان گفت که در دوره ساسانیان در تخت سلیمان، این دایره مقدس به بیضی مقدس^{۲۱} تبدیل می شود. با این فرض این بیضی مقدس دارای دو محور است. محور اطول، محور تقارن بنای اصلی

تصویر ۴- کالبد فرضی شهر شیز (ترسیم: نگارنده)

است. با انطباق دقیق یک بیضی هندسی بر پلان تخت سلیمان کنونی به این نتیجه می رسیم که آتش و آب هر دو در کانون های بیضی قرار می گیرند.^{۲۲} می توان فرض کرد که این بار شهر نه فقط بر مبنای آتش بلکه بر مبنای آب نیز ساخته می شود. پس دیگر شکل دایره که فقط یک مرکز دارد جوابگو نخواهد بود و تنها شکلی که می تواند ساخت بر مبنای آب و آتش را عملی سازد، شکل بیضی است که دارای دو کانون هم ارزش است؛ به این ترتیب بیضی مقدس شکل می گیرد. (شکل ۳ و ۲)

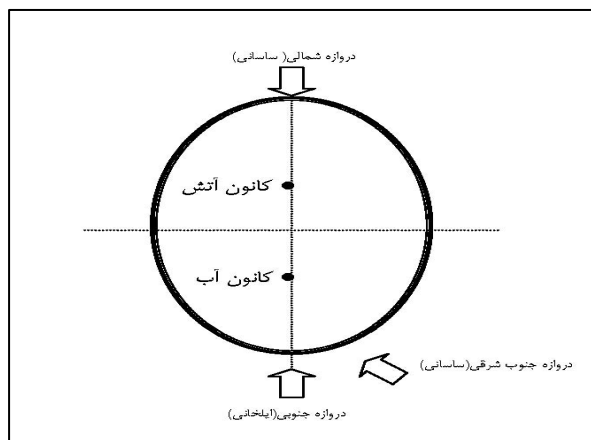


تصویر ۲- تطبیق بیضی با پلان تخت سلیمان (ترسیم: نگارنده)

ساخت کالبدی شیز (بر اساس باقیمانده امروز):

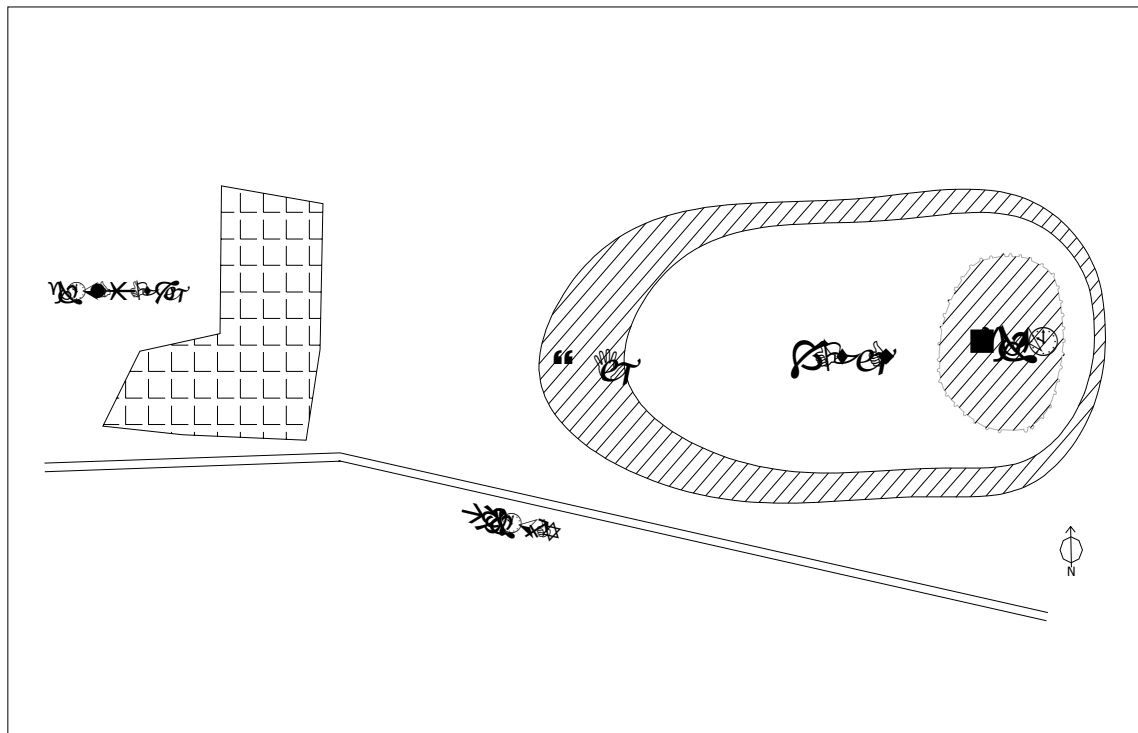
آنچه امروزه حفاری های باستان شناسی نمایان ساخته است، در واقع بنای آتشکده دوره ساسانی و کاخ شکار آباقاخان دوره ایلخانی است. بنابر این ما نیز در دو بخش کالبد شهر شیز را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم:

الف- ساخت کالبدی شیز دوره ساسانی (شیز ساسانی):



تصویر ۳- شماتیک بیضی مقدس (ترسیم: نگارنده)

آثار به جا مانده در تخت سلیمان تنها قسمتی از شهر شیز دوران ساسانی است و نامیدن آثار به جا مانده در تخت سلیمان کنونی به



اما به هر حال احتمال وجود محوطه های مسکونی در اطراف ستوریق (همانند شیز ساسانی) وجود دارد.

آباخان بناهای خود را دور دریاچه ساخته است (شکل ۱). ایوان غربی و شمالی دوره ساسانی نیز دوباره استفاده و در پیوند کامل با بنای ایلخانی قرار گرفته است. ایلخانیان محور تقارنی را منطبق بر محور مقدس ساسانی در نظر می گیرند و دروازه ها را در امتداد این محور قرار می دهند و به این ترتیب در شمال محور همان دروازه به جای مانده از دوران ساسانی را دوباره استفاده می کنند و در قسمت جنوبی دروازه ای جدید در بارو ایجاد می کنند. ستوریق ایلخانی مانند بنای شیز ساسانی به صورت قائم الزاویه است اما این بار عناصر هشت ضلعی نیز وارد معماری آن شده است. به علت نداشتن اطلاعات کافی از این دوره در تخت سلیمان نمی توان ساخت کالبدی مشخصی برای ستوریق ایلخانی مشخص کرد.

حال این سوال مطرح می شود که قسمت های دیگر شهر شیز کجاست؟ اگر محوطه محصور در برج و باروی تخت سلیمان را دژ حکومتی و شار میانی تصور کنیم، مساله اصلی تعیین محل شار بیرونی (ریض) است.

ریض شهر نیز می تواند در پهنه وسیع و هموار اطراف حصار بوده باشد، به خصوص قسمت غربی آن که امروزه نیز روستای تازه کند در بخشی از آن قرار دارد. سفال های بدست آمده از دوران ساسانی بین تخت و دهکده تازه کند وجود احتمالی محوطه های مسکونی از دوره ساسانی را تایید می کند (ناومان، همان: ۱۳۵). همچنین گمانه زنی های اخیر توسط گروه حقاری و مشاهده برخی از آثار در این گمانه ها در اطراف محوطه به درستی این فرضیات را تاحدودی قوت می بخشد. در نهایت به صورت شماتیک می توان ساخت کالبدی شهر شیز بصورت شکل ۴ را ارائه کرد. اما لازم به ذکر است که همه این تقسیم بندی ها در این مقاله فرضیه ای است که برای اولین بار مطرح می شود و می تواند سرآغازی برای مطالعات بیشتر در این زمینه باشد.

ب- ساخت کالبدی شیز اسلامی دوره ایلخانی (ستوریق ایلخانی):

اینکه آیا می توان شیز دوره ایلخانی (ستوریق) را یک شهر نامید، جای سوال دارد. ایلخان مغول از این محل به عنوان یک اقامتگاه تابستانی، آن هم برای مدت بسیار کم استفاده کرده است.



نتیجه گیری

که اکنون نیز در محل آن روستایی واقع است. از لحاظ کالبدی می توان گفت در دوره ساسانیان شهر بر مبنای دو عنصر آب و آتش بنا شده که هر دو در کانون های حصار بیضی شکل آن واقع شده اند. در دوره ایلخانی محل نام خود را به ستوریک تغییر داده است و به صورت کاخ شکار ایلخان مغول در آمده است. از لحاظ کالبدی نیز دروازه ای در قرینه دروازه شمالی در جنوب حصار باز شده است. بناهایی نیز به صورت متقارن در اطراف دریاچه ساخته شده است.

تخت سلیمان کنونی به عنوان یکی از آثار باقیمانده از دوره ساسانیان طبق منابع از یک طرف منطبق بر آتشکده آذرگشنسب و از طرف دیگر با شهر شیز انطباق دارد؛ یعنی اینکه آتشکده آذرگشنسب در شیز و آن هم در تخت سلیمان کنونی قرار دارد. آنچه از شهر شیز امروزه باقی مانده است می تواند ارگ و تا حدودی کهنه‌تر آن باشد که امروزه تخت سلیمان نامیده می شود؛ بقیه شهر شیز (شارستان و ربض) می تواند در دشت کوچک واقع در غرب تخت سلیمان باشد

پی نوشت ها:

۱ Sir Robert Kerporter

۲ Sir Henry Rowlinson

۳ راولینسون آتشکده را بطور کامل بررسی می کند و اتاق اصلی آن را شناسایی می کند.

۴ Erich F. Schmidt

۵ Hans Hening Von der Osten

- ۶ شروع حفاریها دهم تیرماه ۱۳۳۸ است که توسط هیات مشترک ایرانی، آلمانی و سوئدی شروع و بعد از مرگ فون دراوستن با سرپرست رودلف ناومان و سپس دیتریش هوف تا سال ۱۳۵۷ ادامه یافت. از سال ۱۳۷۲ تخت سلیمان تکاب به عنوان یکی از ده پروژه نمونه میراث فرهنگی قرار گرفت. در بیست و هفتمین اجلاس کمیته میراث جهانی در ۵ جولای سال ۲۰۰۳ در مقر یونسکو، تخت سلیمان بعنوان چهارمین اثر تاریخی کشور در ردیف آثار جهانی قرار گرفت. نویسنده مقاله جهت آشنایی با مجموعه تخت سلیمان و همچنین مطالعه گزارشهای حفاری و باستانشناسی و... به مدت دو ماه (مرداد و شهریور ۱۳۸۴) در محل بصورت تمام وقت حضور داشته و با مدیر پروژه اثر (ابراهیم حیدری) همکاری نموده است. سرپرست حفاریها امروزه یوسف مرادی می باشد.
- ۸ به این جهت این نام انتخاب شده است که این محل بیشتر به این نام معروف است.
- ۹ اصطلاحات «شهر-قلعه» و «شهر-معبد» ماخوذ از کتاب شار تا شهر نوشته سید محسن حبیبی است.
- ۱۰ این بخش تلخیصی از نتایج حفاریهای باستانشناسی هیات آلمانی است.
- ۱۱ برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

- ابن فقیه، مختصر البلدان، ترجمه ح-مسعود، ص ۱۲۸
- نامه تنسر به گشنسب، تصحیح مجتبی مینوی، صص ۷۰۶
- سفرنامه ابودلف، با تعلیقات مینورسکی، ترجمه طباطبایی، صص ۴۲-۳۸

۱۲ Dietrich Huff

۱۳ V. Minorsky

۱۴ ابودلف می نویسد: «... دیوارهای این شهر دریاچه ای را احاطه نموده که وسط آن به ته نمی رسد. من وزنه ای با ریسمانی به طول چهارده هزار و کسری ذراع در آن انداختم ولی وزنه به ته دریاچه نرسید. محیط این دریاچه یک جریب هاشمی است و چون خاک با آن خیس شود فوراً به شکل سنگ سخت در آید. از این دریاچه هفت نهر جاری است که هر یک به آسیائی فرو می ریزد... در شیز آتشکده وجود دارد که آتش زردشتیان از آن به سوی شرق و غرب فروزان است...»

توضیحات فوق به هیچ جایی جز تخت سلیمان نمی تواند ربط داشته باشد. ابودلف به ظرافت (البته در برخی موارد غلو کردن) ساختار شهر را شرح می دهد.

۱۵ بدیهی است با پذیرفتن دو نظریه ذکر شده، چاره ای جز پذیرفتن «شیز در تخت سلیمان کنونی» نداریم، زیرا اگر این مساله را قبول نکنیم در واقع آتشکده را در دو جای مختلف خواهیم داشت؛ درحالیکه در هیچ منبعی از دو آتشکده آذرگشنسب سخن به میان نیامده است.

۱۶ منظور از دوره معماری خشتی در اینجا، دوره بنای تخت سلیمان در زمان ساسانیان است.

- ۱۷ محمد معین در کتاب مزدیسنا و ادب پارسی با استناد به نظر مارکوآرت (Marqvart) تخت سلیمان کنونی را فراسپا می نامد و از اسمهایی نظیر فزاده اسب به معنی اسب خیز نیز استفاده می کند! او شهر شیز را نه در تخت سلیمان بلکه در لیلان و با نامهای گنجک یا الشیز فرض می کند.
- ۱۸ منظور از شیز اسلامی، شیز در دوران بعد از اسلام است.
- ۱۹ همانگونه که گفته شد این اسم (ستوریق) امروزه در نام رودخانه ای که تخت سلیمان در دره آن واقع است، تجلی یافته است. (بصورت ساروق) کلمه اخیر نام طایفه ای از ترکمنهای ایران است که البته بصورت ساریق در زبان ترکمنی تلفظ می شود. (رجوع کنید به ترکمنهای ایران، نوشته بی بی رابعه لوگاشوا، ترجمه سیروس ایزدی و حسین تحویلی)
- ۲۰ این تقسیم بندی کالبدی (دژ حکومتی، شار میانی و شار بیرونی) ماخوذ از کتاب شار تا شهر نوشته سید محسن حبیبی است. لازم به ذکر است که گمانه زنی های آخرین فصل از حفاریهای اطراف تخت سلیمان که در سال ۱۳۸۴ و هنگام حضور نویسنده در محل توسط یوسف مرادی انجام گرفته است به برخی آثار در اطراف محوطه دست یافته است که ادامه آن در آینده شاید تاییدی بر فرضهای مطرح در این مقاله باشد. هیچ گزارشی از این حفاریها هنوز به نگارش در نیامده است.
- ۲۱ این اصطلاح توسط نویسنده مطرح می شود.

فهرست منابع:

- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹)، "مختصر البلدان"، ترجمه ح-مسعود، انتشارات بنیاد فرهنگ، تهران.
- ابودلف (۱۳۵۴)، "سفرنامه ابودلف با تعلیقات مینورسکی"، ترجمه سید ابولفضل طباطبایی، زوار، تهران.
- آذرگشنسب، اردشیر (۱۳۷۲)، "مراسم مذهبی و آداب زردشتیان"، سازمان انتشارات فروهر، تهران.
- اشمیت، اریک ف. (۱۳۷۶)، "پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران" ترجمه آرمان شیشه گر، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- اصطخری (۱۳۴۰)، "مسالك و ممالک به کوشش ایرج افشار"، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- افشار، ایرج (۱۳۶۹)، "نگاهی به تاریخ آذربایجان غربی"، نسل دانش، جلد اول، تهران.
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۳)، "تطبیق لغات جغرافیایی ایران قدیم و جدید"، تصحیح محمد جواد محدث، امیر کبیر، تهران.
- انوری، حسن (۱۳۴۲)، "آتشکده آذرگشنسب"، تهران.
- پیگولوسکایا، ن. (۱۳۷۷)، "شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان"، ترجمه عنایت ا... رضا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
- پیگولوسکایا، ن. و دیگران (؟؟؟؟؟؟؟؟)، "تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هجدهم میلادی"، ترجمه کریم کشاورز، پیام، تهران.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰)، "شار تا شهر"، دانشگاه تهران، تهران.
- حموی، یاقوت (۱۳۴۴)، "معجم البلدان"، انتشارات اسدی، جلد سوم، تهران.
- سرفراز، علی اکبر و محمد یوسف کیانی (۱۳۴۷)، "تخت سلیمان"، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، تبریز.
- سرفراز، علی اکبر و بهمن فیروزمندی (۱۳۷۳)، "ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی"، جهاد دانشگاهی هنر، چاپ اول، تهران.
- سلطانزاده (۱۳۶۵)، "مقدمه ای بر تاریخ شهرنشینی در ایران"، نشر آبی، تهران.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۵۱)، "ایران در زمان ساسانیان"، ترجمه رشید یاسمی، ابن سینا، تهران.
- گیرشمن، رومن (۱۳۵۵)، "ایران از آغاز تا اسلام"، ترجمه محمد معین، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- فرای، ریچارد ن. (۱۳۶۳)، "عصر زرین فرهنگ ایران"، ترجمه مسعود رجب نیا، سروش، تهران.
- فون دراوستن، هنینگ و رودلف ناومان (۱۳۷۳)، "تخت سلیمان"، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی، تهران.
- قوچانی، عبدالله (۱۳۷۷)، "اشعار فارسی کاشیهای تخت سلیمان"، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- محمدی، علی (۱۳۶۹)، "کتاب افشار"، مولف، تهران.
- معین، محمد (۱۳۳۸)، "مزدیسنا و ادب پارسی"، دانشگاه تهران، تهران.
- ناومان، رودلف (۱۳۸۲)، "ویرانه های تخت سلیمان و زندان سلیمان"، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
- نفیسی، سعید (۱۳۳۱)، "تاریخ تمدن ایران ساسانی ۱"، دانشگاه تهران، تهران.
- هوار، کلان (۱۳۶۳)، "ایران و تمدن ایرانی"، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران.
- هوف، دیترش (۱۳۶۵)، "شهر ساسانی" در "نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران"، محمد یوسف کیانی، هما، تهران.
- _____ (۱۳۶۹)، "کارنامه اردشیر پاکان"، ترجمه قاسم هاشمی نژاد، نشر مرکز، تهران.
- _____ (۱۳۵۴)، "نامه تنسر به گشنسب"، تصحیح مجتبی مینوی، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران.
- _____ (۱۳۳۹)، "راهنمای آثار تاریخی و کاوشهای علمی در تپه حسنلو-تخت سلیمان-قره تپه"، گردآوری اسماعیل دیباچ، اداره فرهنگ، تبریز.
- _____ (۱۳۵۰)، "اطلس تاریخی ایران"، مؤسسه جغرافیا، دانشگاه تهران، تهران.
- _____ (۱۳۸۴)، "گزارشهای منتشر نشده حفاریهای تخت سلیمان"، مدیریت پروژه بزرگ تخت سلیمان، تهران.

